

اصلاحات در دوران حکومت ملی 4

ب-اصلاحات سیاسی و ساختاری :

انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی درپاییز و زمستان 1330 برگزار شد. دکتر مصدق پس از بازگشت از آمریکا در سخنانی در مجلس به موضوع برگزاری انتخابات اشاره کرد و گفت: "واضحتر عرض کنم این جانب تصمیم دارم از کوچکترین اعمال نفوذ و تجاوز قوای دولتی در استفاده از حقوقی که مردم برای انتخاب وکلای خود دارند جلوگیری کنم و مخصوصاً قوای تأمینیه اعم از ارتش و ژاندارمری و شهربانی در این مورد از هرگونه مداخله غیرقانونی جدا ممنوع می‌شوند (اطلاعات - 3 آذر 1330)

اما به رغم این تأکید و به رغم آنکه در راس وزارت کشور که مجری انتخابات بود ابتدا شمس‌الدین امیرعلایی و سپس امیرتیمور کلالی قرار داشتند با این حال انتخابات با اما و اگرهای فراوانی برگزار شد. از یک سو انتخابات در بسیاری از شهرها برگزار نشد و در سایر مناطق هم دربار توانست اعمال نفوذ کند. باردیگر شیخ الملک اورنگ، میراشرفی، عبدالرحمن فرامرزی، ملک مدنی، مصباح زاده و حسن امامی و... به مجلس راه یافتند. در این میان از همه جالب تر انتخاب سید حسن امامی شیعه و امام جمعه تهران به نمایندگی مجلس از منطقه سنی نشین مهاباد بود که با 52 رای به مجلس راه یافت و در آغاز دوره فعالیت مجلس از سوی نمایندگان به ریاست مجلس برگزیده شد.

مشاهده نتایج انتخابات مصدق را به این نتیجه رسانید که با ادامه سیاست های گذشته نه تنها در اجرای قانون ملی شدن به بن بست خواهد رسید بلکه اصولاً امیدی به ادامه کار نیز وجود نخواهد داشت. به همین دلیل ضمن تهیه لایحه قانونی برای اصلاح قانون انتخابات، در دیگر سیاست های خود نیز تجدید نظر اساسی کرد.

به اعتقاد مهندس عزت الله سحابی نتیجه انتخابات مجلس تأثیر عمیقی بر مصدق برجای گذاشت و او از لیبرال دمکراسی به سوسیال دمکراسی تغییر روش داد. (

مصدق در دوران حیات خود چندبار قسم یاد کرده بود که به اصول حکومت سلطنت مشروطه وفادار بماند خود وی در این باره می نویسد: "روز 26 تیر [1331] ...بلا تامل عرض کردم در مجلس پنجم برای اعلیحضرت فقید قسم یاد نکردم ولی در مجلس چهاردهم برای شاهنشاه قسم یاد نمودم و خود را مرهون الطاف شاهانه می‌دانم..." و در ادامه می‌ویسد: "هر وقت که فرصتی به دستم آمد و مخصوصاً در جلسات رسمی مجلس وفاداری خود را نسبت به شاهنشاه ابراز نمودم و پس از 30 تیر هم که وزیر دفاع ملی شدم برای اطمینان خاطر و رفع نگرانی آنچه لازم بود نوشته توسط آقای سپهبد یزدان‌پناه اهدا نمودم..."

بنابراین دکتر مصدق هیچ گاه در پی تغییر نظام سلطنت و برانداختن شاه نبود. با این وجود این تفکر مانع از آن نبود که دکتر مصدق در پی اصلاح جدی سیستم حکومتی برنیاید. یکی از جدی ترین اقدامات وی در این زمینه اجرای اصل اساسی مشروطه در خصوص حدود اختیارات و دامنه نفوذ شخص پادشاه و دربار بود.

بعد از تاسیس سلطنت پهلوی رضاشاه عملاً عنان همه امور کشور را در دست داشت و بدون نظر و اجازه او حتی در بسیاری از امور جزئی هیچ اقدامی صورت نمی‌گرفت. محمدرضا شاه هم گرچه در ابتدای روی کار آمدن خود تلاش کرد تا نقش یک شاه مشروطه را ایفا کند و از دخالت در امور پرهیز کند ولی به مرور زمان و با محکم شدن اساس سلطنت و به ویژه با حمایت دول غربی تغییر رویه داد. برگزاری مجلس موسسان در سال 1328 با همین هدف صورت گرفت و به دنبال آن نیز دخالت وی در امور جاریه کشور بیشتر و بیشتر شد. از جمله این دخالت‌ها تعیین وزیر جنگ از سوی شاه بود که عملاً به معنای در دست داشتن قوای نظامی و انتظامی در دست شاه بود. آثار این عمل نیز در برهه‌های متعدد خود را نشان داده بود که از جمله آنها کشتار تظاهرکنندگان در روز 23 تیر 1330 در خیابان‌های تهران و تحولات سیاسی دیگر در طول سال‌های 1330 تا 1332 بود.

دکتر مصدق برای حل مسأله تعدد مراکز تصمیم‌گیری در امور نظامی و انتظامی تصمیم گرفت در چارچوب قانون اساسی به این شیوه پایان دهد و وزیر دفاع از سوی نخست‌وزیر تعیین شود. استدلال مصدق بر این مبنا بود که در نظام مشروطه شاه به دلیل آنکه فقط باید سلطنت کند نه حکومت بنابراین از مسئولیت مبرا است و در نتیجه تعیین وزیر دفاع که مسئولیت دفاع از مرزها و حفظ امنیت را بر عهده دارد و مقامات امنیتی و انتظامی کشور را تعیین می‌کند باید از سوی کسی که در قبال مجلس پاسخگو است انتخاب شود. مصدق در این راه تا استعفای از منصب نخست‌وزیری نیز پیش رفت و شاه که ابتدا در مقابل این امر مقاومت کرد در نتیجه قیام مردم در 30 تیر 1331 ناچار به آن تن داد.

علاوه بر آن اقدام دیگر مصدق در این زمینه کوتاه کردن دست دربار از دخالت در امور کشور و نیز کم کردن بودجه دربار بود. او همچنین دربار را از درآمد آستان قدس رضوی محروم ساخت. بعد از وقایع سی‌تیر و بازگشت مجدد او به نخست‌وزیری، روز دهم مرداد 1331 مصدق دستور اخراج اشرف پهلوی و مادرشاه از کشور را صادر کرد و در نتیجه آنها از ایران بیرون رفتند. در این باره عباس میلانی می‌نویسد: "مصدق بودجه دربار را کاهش داده بود. دفاتر برادران و خواهران شاه را بسته بود. مادر و خواهر شاه را از ایران بیرون کرده بود. به علاوه از شاه خواسته بود درآمد سالانه اش از آستان قدس رضوی را باید و بگذارد و در اختیار دولت قرار دهد..."

در کنار کاهش بودجه دربار، مصدق از تعداد سربازان و تانک‌هایی که حفاظت از کاخ‌های سلطنتی را به عهده داشتند کاسته بود.

بعد از واقعه 30 تیر، دکتر مصدق با توجه عدم موفقیت در مذاکرات نفت، از یک سو سیاست اقتصاد بدون نفت را به جدیت بیشتر دنبال کرد. یکی از نشانه‌های جدیت دکتر مصدق در این راه دعوت از دکتر "شاخ" اقتصاددان برجسته آلمانی بود که به نوشته دکتر موحیدپیشرفت‌های اقتصادی آلمان در دوران هیتلر را مرهون نبوغ فکری او می‌دانستند. شاخ در نیمه شهریور 1331 برای مشورت در امور اقتصادی با مصدق دیدار کرد و پیشنهاداتی را در زمینه امور اقتصادی مطرح کرد. بنا به نوشته موحید، به نقل از یک روزنامه آلمانی، دکتر شاخ در گفت‌وگو با مصدق به‌ویژه پیشنهاد کرد: "برای (اجتناب) از دست دادن فرصت‌ها هرچه زودتر قضیه نفت را کنار گذاشته و با استفاده از اختیارات قانونی خود طرح‌ها و نقشه‌های اقتصادی دیگری که حاضرم در انجام آنها او را کمک و راهنمایی کنم جلو بکشد"